

نقش روش الگویی در درونی‌سازی توسل

کلمه مهدی زمانی‌مژده / کارشناس ارشد علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

zamanimahdi@chemail.ir

mbeheshti@rihu.ac.ir

محمد بهشتی / استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پذیرش: ۹۴/۲/۱۹

دریافت: ۹۳/۵/۱۳

چکیده

براساس درونی‌سازی، یک ویژگی اخلاقی یا محتوای تربیتی به تدریج و طی فرایند تربیت، آموزش، یادگیری یا تجربه فردی، در نهاد، شخصیت و هویت فرد جا گرفته و پایدار می‌گردد؛ به گونه‌ای که شخصیت فرد با آن ویژگی ترکیب و به تعبیر علم اخلاق «ملکه نفسانی» و به تعبیر قرآنی «شاکله» او گردیده، رفتار ناشی از آن در همه حالات، چه پنهانی و چه آشکار از متربی صادر می‌شود. پژوهش حاضر به چگونگی درونی‌سازی ارزش توسل به پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) توسط مربی از طریق روش الگویی می‌پردازد. پس رویکرد در این مقاله به این صورت است که در رابطه با روش الگویی ابتدا به صورت کلی نکات و مباحث مهم آن روش مورد بررسی قرار گرفته، و در آخر هر بحث، شیوه استفاده و کاربرد آن در درونی‌سازی توسل به پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) بیان شده است.

در این نوشتار، مباحث مهمی که در روش الگویی مطرح است، از قبیل تعریف، نکات مهم در به‌کارگیری این روش و... مورد اشاره قرار می‌گیرد تا نقش این روش در درونی‌سازی ارزش توسل مشخص گردد.

کلیدواژه‌ها: روش الگویی، درونی‌سازی، توسل، پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام).

مقدمه

که امام صادق علیه السلام فرمودند: با غیر زبان خویش مردم را (به کیش و مذهب خود) دعوت کنید، مردم باید ورع و کوشش و نماز و خیر شما را ببینند، اینها خود دعوت‌کننده می‌باشند. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْاجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۹).

سؤال اصلی تحقیق این است: نقش روش الگویی در درونی‌سازی توسل به پیشوایان معصوم علیهم السلام چیست؟
سؤالات فرعی نیز عبارتند از:

۱. توسل به پیشوایان معصوم علیهم السلام به چه معناست؟
۲. نقش تربیتی توسل به پیشوایان معصوم علیهم السلام در زندگی چیست؟

۳. چه نکته‌هایی را باید در به‌کارگیری روش الگویی مورد لحاظ و اهمیت قرار داد؟

۴. شخص الگو چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟
۵. آفات و آسیب‌های روش الگویی چیست؟
عز راه‌کارهای اجرایی برای تحقق روش الگویی چه می‌باشد؟

درباره پیشینه بحث می‌توان به کتاب ضیاء آبادی (۱۳۷۲) و پایان‌نامه ابراهیمی (۱۳۹۰) اشاره کرد.

مفهوم‌شناسی

توسل در لغت

راغب اصفهانی در مفردات این‌گونه می‌نگارد: «الوسيلة التوصل الى الشيء بزغبته و هي أخص من الوسيلة لتضمنها لمعنى الرغبة وحقيقه الوسيلة الى الله تعالى مرعاة سبيله بالعلم والعبادة و تحري مكارم الشريعة وهي كالتقربة» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۷۱)؛ وسیله تمسک به چیزی با میل و رغبت است و آن «أخص» از وسیله (با

آنچه به‌عنوان ارزش نهایی در دین مبین اسلام مطرح گردیده، قرب به خداوند است. این حقیقت، می‌تواند به‌عنوان هدف کلیه افعال انسانی قرار گیرد که برای رسیدن به آن، از ارزش‌های میانی مانند عبودیت، علم و ایمان به خداوند استفاده می‌شود. یکی از آن ارزش‌های میانی، توسل به پیشوایان معصوم علیهم السلام است.

توسل به اولیای الهی و وسیله قرار دادن آنها در پیشگاه الهی، همواره مورد تأکید آیات قرآن و روایات رسیده از ائمه اطهار علیهم السلام بوده است. پس از اعتقاد به این مطلب که توسل به پیشوایان معصوم علیهم السلام، یکی از مهم‌ترین ارزش‌های میانی است، باید روش‌های مناسب درونی‌سازی آن را در جامعه کشف نماییم.

در میان روش‌های تربیت دینی، روش الگویی، به دلیل عینی و کاربردی بودن، از نفوذ و تأثیرگذاری فراوانی برخوردار است. قرآن کریم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت ابراهیم علیه السلام به‌عنوان «اسوه حسنه» یاد کرده و جهانیان را به الگوگیری از آنان فراخوانده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱)؛ «وَقَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (ممتحنه: ۴). علاوه اینکه در آیات متعددی از الگوها در قالب عناوینی کلی، مانند مؤمنین، متقین، صادقین، محسنین، اولوالالباب، اولی‌البصائر و عباد الرحمن یاد شده است. گاه از برخی نمونه‌های انسانیت سخن رفته و معیارهای الگوگیری در قالب داستان زندگی آنها ترسیم گردیده است. ثبات قدم و استواری پیامبران، ادب آنان با خداوند سبحان، روش زندگی آنان، رابطه استاد و شاگردی حضرت خضر و موسی علیهم السلام و اوصاف نیکان و خوبان در قرآن کریم ما را به الگوگیری و روش الگویی رهنمون می‌سازد. همان‌طور

باشد که به سبب آن ممکن شود که آدمی به قرب و منزلت و درجه در پیشگاه خداوند که همان فلاح و رستگاری است نائل گردد (ضیاء آبادی، ۱۳۷۲، ص ۳۳).

پس معنای اصطلاحی توسل عبارت است از: «هر عاملی که موجب و سبب نیل به مقام قرب خداوند گردد».

تعریف روش الگویی

در این روش، برای ترغیب متری به انجام یا تداوم عمل و دارا شدن صفتی پسندیده، ترتیبی اتخاذ می‌گردد تا متری بتواند شخصی را که در نظرش مهم و محبوب است، در حال انجام آن عمل و رفتار ببیند یا نتیجه صفت و خصلت او را مشاهده کند. به دیگر سخن، مری می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب و شایسته را عملاً در معرض دید متری قرار دهد تا شرایط لازم برای تقلید و الگوبرداری متری فراهم آید (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۴).

نقش روش الگویی در درونی‌سازی توسل

وقتی کودک متولد می‌شود، استعداد فطری و آمادگی ذاتی برای یادگیری و تربیت دارد و با مشاهده رفتار دیگران، آن را «الگوی» رفتار خود قرار می‌دهد و از آن تبعیت می‌کند؛ خواه الگوی مثبت باشد یا منفی!

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «کل مولود یولد علی الفطرة حتی یكون أبواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه» (احسانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۶)؛ هر انسانی بر فطرت پاک و خداجوی خلق می‌شود، مگر آنکه پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی بار آورند.

امام خمینی رحمته الله علیه در توضیح حدیث فوق می‌فرماید: «انسان از اول این‌طور نیست که فاسد به دنیا آمده باشد. از اول با فطرت خوب به دنیا آمده (کل مولود یولد علی الفطرة)، که همان فطرت انسانیت، فطرت صراط مستقیم،

صاد) است؛ زیرا «وسیله» معنای میل و رغبت را دارد، ولی «وصیله» قید میل و رغبت را ندارد. حقیقت وسیله به سوی خدا عبارت است از مراعات راه خدا با علم و عبادت و پی‌گیری دستورات شرع؛ مانند قربت و نزدیکی به خدا.

جوهری «وسیله» را این‌گونه تعریف می‌کند: «الوسیلة ما یتقرب به الی الغیر، والجمع: الوسل و الوسائل» (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۸۴۱)؛ وسیله عبارت است از آنچه با آن به دیگری تقرب جسته شود. جمع آن، وسل و وسائل است.

با دقت در اقوال لغویان، چنین به دست می‌آید که «وسیله» در معانی ذیل به کار رفته است:

۱. قرب و نزدیکی به مطلوب (خدا)؛
۲. مقام و منزلت نزد سلطان؛
۳. درجه و رتبه؛
۴. تمسک به چیزی با میل و رغبت؛
۵. هرچه که به سبب آن، نزدیک شدن به دیگری ممکن باشد.

توسل در اصطلاح

«وسیله» چنان‌که در بالا ذکر شد، معانی متعددی دارد؛ مناسب‌ترین آنها در معنای اصطلاحی بر حسب استظهار از سیاق دو آیه شریفه ۳۵ سوره «مانده» و ۵۷ سوره «اسراء» همان معنای پنجم است.

بخصوص در آیه نخستین که اولاً، پس از امر به «ابتغاء وسیله»، دستور جهاد در راه خدا می‌دهد و ثانیاً، نتیجه «تقوا» و «ابتغاء وسیله» و «جهاد» را به‌عنوان «فلاح» و رستگاری با جمله «لعلکم تفلحون» بیان می‌فرماید.

بدیهی است که فلاح و رستگاری، همان نیل به مقام «قرب» است؛ و به حکم لزوم مغایرت بین مقدمه و نتیجه، باید وسیله غیر از «قرب» باشد؛ یعنی وسیله باید چیزی

التزام عملی والدین و مربیان به توسل در تمامی

مراحل زندگی

متربی به طور معمول، سخن گفتن، آداب معاشرت، رعایت نظم یا بی‌نظمی، امانت‌داری یا خیانت، راست‌گویی یا دروغ‌گویی، خیرخواهی یا بدخواهی و آداب و سنن دینی را در محیط خانه فرامی‌گیرد. اگر پدر و مادر به دستورات دینی اهمیت دهند، اهل عبادت، نماز، دعا، تلاوت قرآن، توسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و توجه به معنویات باشند و موازین اخلاقی را رعایت کنند، بدون شک، بر ابعاد روحی و دینی کودک تأثیر سازنده می‌گذارند. اینکه فرزندان خردسال همراه پدر و مادر به مساجد و حسینیه‌ها رفته، در مجالس عزاداری امام حسین علیه‌السلام شرکت می‌کنند و مانند پدر و مادر به حالت گریه درمی‌آیند، حاکی از تأثیر عملکرد والدین بر رفتار دینی فرزندان است (یوسفیان، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹).

نکته‌ای که در اینجا باید مورد ملاحظه قرار گیرد این است که توسلات پدر و مادر و همچنین مربیان منحصر به همین مجالس نباشد، بلکه باید در تمامی مراحل زندگی به این مطلب عمل کنند تا تأثیر بیشتری در وجود متربی به وجود آید.

جهت‌دهی فرزندان به سمت الگوهای سالم

«مادامی که فرزند در خانه است، تنها با مراعات پدر و مادر کار تمام است و همین که پاه بیرون می‌گذارد و با دیگران محسور می‌شود، پدر و مادر باید بجز مراعات سابق، به الگوهای دیگر فرزند نیز توجه داشته باشند، از آنها که می‌توانند الگوی خوبی باشند، تمجید کنند و از آنها که نمی‌توانند، هدفمندانه انتقاد کنند، تا اینکه ازدگی در فرزند به وجود بیاید. این غلط است که با زور فرزند را از چنین شخصیتی محبوب جدا کنند؛ چون این جدایی جز عطش و علاقه چیزی زیاد نمی‌کند و هرچه فرزند بزر تر

فطرت اسلام [و] فطرت توحید است. این تربیت‌هاست که یا همین فطرت را شکوفا می‌کند و یا جلوی شکوفایی فطرت را می‌گیرد...» (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۴، ص ۳۴). اگر کودک از همان ابتدا با الگوهای مواجه شد که توسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را جزء اصول زندگی خود قرار داده‌اند، به آن سمت کشیده می‌شود و این ارزش در وجودش نهادینه می‌شود.

نکته‌های مهم در به‌کارگیری روش الگویی

در الگو دهی والدین و مربیان به فرزندان برای توسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام رعایت نکات زیر ضروری است:

خداشه‌دار نشدن شخصیت والدین یا مربی به‌عنوان

الگو

کودک وقتی که چشم باز می‌کند و پدر نیرومند و نان‌آور خود را می‌بیند، خود به خود شیفته او می‌شود و به تقلید از او می‌پردازد، به شرط آنکه این شخصیت پدر آسیبی نبیند و مورد تحقیر مادر و دیگران قرار نگیرد و یا تا سطح شخصیت کودک پایین نیاید.

پدرانی هستند که خود را کوچک و خوار می‌سازند و یا پدر و مادرانی هستند که یکدیگر را در مقابل چشم فرزند می‌کوبند که در نتیجه، هیچ کدام نمی‌توانند قهرمان و الگوی محبوب کودک باشند؛ اینجاست که کودک به دیگران رو می‌آورد و یا به خود پناه می‌برد. در صورتی که به خود پناه برد، گرفتار روح انزوا و غرور و خودبینی می‌شود و در صورتی که به دیگران رو بیاورد، خطر اشتباه در انتخاب الگو زیاد است و چه بسا به هلاکت و نابودی و فساد بکشد. از این رو، پدر باید شخصیت خود را حفظ کند و مادر باید شخصیت پدر را نگه دارد و در این الگو خداشه‌ای وارد نسازد (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۵۵).

نوجوانان توجه برانگیز است. مراسم مذهبی، جلسات دعا و نماز جماعت و مانند آن، زمینه تربیت دینی و اخلاقی و توجه به معارف اسلامی را فراهم می‌سازد. بدیهی است که حضور معلمان، مدیران و مربیان همراه با دانش‌آموزان در این جلسات و مراسم توسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بر عمق تأثیرگذاری این امور می‌افزاید.

کمک به فرزندان در دوست‌یابی

دوستان و همنشینان از الگوهای رفتاری و تربیتی فرزندان ما هستند. نوجوانان به طور طبیعی عاشق رفاقت و دوستی‌اند و دوست دارند با همسالان خود رفیق شوند و عمیق‌ترین روابط دوستانه را با آنها برقرار سازند، ولی به دلیل خام بودن و غلبه احساسات و بی‌توجهی به مصالح خویش، امکان دارد در دوست‌یابی دچار اشتباهاتی شوند و عناصر ناباب را به دوستی خود برگزینند و موجبات سیه‌روزی خویش را فراهم سازند. از این‌رو، والدین و وظیفه دارند به آنان کمک کنند، خطر رفقای ناباب و ضررهای ناشی از دوستی با آنان را برای آنها توضیح دهند و با منطقی‌مستدل و خیرخواهانه آنها را از رفاقت با افراد ناصالح و افراط در دوستی برحذر دارند.

بدون تردید، رفت‌وآمد والدین با خانواده‌های مذهبی و متشرع، بردن فرزندان به مساجد و محیط‌های مذهبی و مانند آن، به‌طور غیرمستقیم در دوست‌یابی فرزندان تأثیر خواهد داشت (پوسفیان، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰).

رفع تعارض میان الگوها

در تربیت الگویی، تعارض الگوها آسیب‌زا می‌باشد و مربی را در تحیر و سرگردانی قرار می‌دهد. این مطلب بخصوص در دوران کودکی و نوجوانی بسیار حایز اهمیت است و چه‌بسا مربی از الگوهای مورد علاقه خویش، رفتارهای متضادی را ملاحظه می‌کند؛ مثلاً، رفتار

شود، بیشتر به خود فرو می‌رود و از پدر و الگوی سابقش فاصله می‌گیرد (صفایی حائری، ۱۳۸۶، ص ۵۶).

در اینجاست که پدر باید فرزند را با الگوهای بزرگ‌تر و شخصیت‌های عظیم‌تر آشنا کند و آنها را برای او ترجمه نماید، وگرنه فرزند خودسرانه به این کار دست می‌زند و با اشتباه‌های خود، فسادهایی به بار می‌آورد و از دست می‌رود. از جمله کارهایی که می‌توان برای جهت‌دهی فرزندان به سمت الگوهای مناسب استفاده نمود، ترغیب آنان به مطالعات دینی و سرگذشت بزرگان دین است؛ کتاب‌های مفید و داستان‌های شیرین و خواندنی را تهیه و به فرزندان خود هدیه کنند؛ در دیدن برنامه‌های مفید تلویزیون و فیلم‌های آموزنده آنها را تشویق کنند؛ از برنامه‌های غیرمفید و فیلم‌های نامناسب انتقاد و روشنگری نمایند (پوسفیان، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱).

دقت در انتخاب مدرسه، معلمان و مربیان

مدرسه مانند خانواده، عامل مهمی در پرورش جسمی و روحی کودک و نوجوان است. فضای مدرسه زیر پوشش عناصر گوناگونی از قبیل معلم، مدیر، ناظم، مسئول تربیتی، مستخدم و همکلاسی‌ها قرار دارد که همه آنها می‌توانند برای شاگردان، الگو و سرمشق باشند و در شکل‌گیری ابعاد تربیتی آنها ایفای نقش نمایند.

نقش معلم در سازندگی یا ویرانی اخلاقی کودکان بسیار مهم است. معلم به سبب نفوذ معنوی خود، با تمام رفتارش، الگوها و سرمشق‌هایی در اختیار شاگردان قرار می‌دهد و آنان از تمام حرکات و سکنتات و اشارات و حتی واژه‌هایی که معلم در خلال انجام وظیفه تعلیم، از آنها استفاده می‌کند، به شدت تأثیر می‌پذیرند (همان، ص ۲۸).

علاوه بر نقش تأثیرگذار معلم، فضای مذهبی و معنوی حاکم بر مدرسه، در تعلیم و تربیت دینی کودکان و

بر دانش و شناخت خود، به تجزیه و تحلیل پرداخته و از میان اعمالی که مشاهده کرده است، انتخاب می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

به دست آوردن آداب و شرایط توسل

از آثار دیگر این روش این است که زمانی که انسان شخص الگو را در حال توسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام مشاهده می‌کند، ناخودآگاه آداب و شرایطی را که برای توسل نیاز هست به چشم خود می‌بیند و بدون اینکه کسی به او چیزی یاد بدهد، در آینده همه آن شرایط و آداب را رعایت می‌کند؛ مانند کسی که نماز خواندن و همه احکام و آداب آن را از دیدن نماز خواندن شخص الگو یاد گرفته است.

ویژگی‌های شخص الگو

از مباحث مهم در روش الگویی، ویژگی‌ها و شرایطی است که باید در شخص الگو وجود داشته باشد. اگر این‌گونه نباشد، بهترین الگوها هم در مقابل چشم متربی قرار داده شود، به آن نتیجه مطلوب منجر نمی‌شود.

برخی از خصوصیات، در ارتباط با شناخت و اندیشه و تعقل او و برخی دیگر، مربوط به عواطف و احساسات خاص الگو و بخش دیگر، تأثیر رفتار و کردار الگوست (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۴۲).

خصوصیات شناختی

برخی از ویژگی‌های شخص الگو مربوط به حیطة شناختی او می‌شود که اثر مستقیم در فرایند الگوبرداری دارد. این خصوصیات عبارتند از:

ایمان و یقین بر کارآمد بودن امر توسل: یکی از ویژگی‌های شناختی شخص الگو، داشتن اعتقاد لازم مبنی بر کارآمد بودن توسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است. او باید به این

پدر را با رفتار مادر و یا رفتار والدین را با رفتار دوستان و برادرانش در تعارض می‌بیند. نتیجه چنین موقعیتی، تحیر و سرگردانی متربی است و چه بسا اعتماد خود را نسبت به بعضی ارزش‌ها از دست می‌دهد.

بنابراین، ایجاد هماهنگی میان الگوها و ارائه الگوهای هماهنگ و همخوان امری ضروری است.

ویژگی‌های روش الگویی

روش الگویی نسبت به روش‌های دیگر امتیازات و ویژگی‌هایی دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

روش غیرمستقیم

یکی از ویژگی‌های روش الگویی این است که به طور غیرمستقیم امر توسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را برای متربی نهادینه می‌کند. این روش با طبع انسانی بیشتر سازگار است؛ چراکه معمول انسان‌ها در برابر تذکر مستقیم و مطالبی که رودررو به آنها گفته می‌شود، موضع تقابلی می‌گیرند. همان‌گونه که گذشت، امام صادق علیه‌السلام دعوت به سوی دین خدا را به طور مستقیم و به وسیله زبان سزاوار ندانستند و فرمودند: مردم را به وسیله عمل خود دعوت کنید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۹).

دربرگیرنده تمام عمر

روش الگویی، برخلاف برخی روش‌ها، که در محیط یا مقطع سنی خاصی کاربرد دارند، در محیط‌ها و مقاطع سنی مختلف، قابل استفاده و ثمربخش است. به این ترتیب، الگوبرداری، سراسر عمر انسان را از ابتدای کودکی تا پایان زندگی، دربر می‌گیرد؛ هرچند در آغاز، کودک تقلیدکننده محض است و اعمال و رفتارهایی را که مشاهده کرده است، عیناً تقلید می‌کند، ولی بعدها، با تکیه

یکی از شرایط بسیار مهم در روش الگویی است. متربی وقتی از شخصی الگوبرداری می‌کند که شیفته و مجذوب اخلاق او شده باشد و شبیه آن شخص شدن را جزء آرزوهای خود ببیند. ولی اگر این شرط رعایت نشود، ممکن است حتی اثر معکوس نیز به جا بگذارد. برای مثال، اگر ما یک انسان بسیار وارسته‌ای را که در همه امور زندگی خود متوسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام می‌شود و جواب این توسلات خود را نیز از حضرات می‌گیرد به شخص متربی معرفی نماییم و او را به عنوان الگو در مقابل چشمان وی قرار دهیم، ولی این متربی از این انسان الگو به خاطر چیزهای که در گذشته اتفاق افتاده یا به خاطر تبلیغات سوء و... متنفر باشد؛ در این صورت، ممکن است به جای اثر مثبت، اثر منفی نیز بر او بگذارد. پس قبل از اینکه بخواهیم الگو در مقام عمل، توسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را در شخصی متربی نهادینه کند، اول باید محبت و علاقه او را وارد قلب متربی نماید تا آن اثر متوقع از این روش به وقوع بپیوندد.

محبت و مهربانی نسبت به متربی: تا وقتی انسان کسی را دوست نداشته باشد، انگیزه‌ای برای هدایت و راهنمایی او به سوی امور مطلوب به وجود نمی‌آید. از همین روست که خداوند متعال که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به عنوان الگو و اسوه تمام بشریت معرفی نموده است، ایشان را اینچنین توصیف می‌نماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه: ۹)؛ به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است. آن‌قدر پیامبر به مخلوقین خداوند علاقه‌مند و مهربان است که به هر صورتی می‌خواهد آنها را هدایت و راهنمایی کند. وقتی این مشقت زیاد می‌شود خداوند به ایشان

امر معتقد باشد که معصومان علیهم‌السلام و سائط فیض الهی هستند و همه امور و مشکلات به برکت وجودی این بزرگواران حل می‌شود. اگر الگو بخواهد با یک سری اعمال ظاهری و پوچ، خودش را متوسل نشان دهد نه تنها اثری ندارد، شاید اثرات منفی نیز به بار آورد؛ چون کسی که خودش اعتقاد کافی در این امر نداشته باشد چگونه می‌تواند دیگران را به این مطلب معتقد سازد؟ ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش.

آگاهی از آداب و شرایط توسل: آگاهی از آداب و شرایط توسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام توسط الگو جزء لوازم رسیدن به نتیجه مطلوب در بحث توسل می‌باشد. اگر کاری بخواهد به سرانجام برسد لازم‌هاش این است که به همه ریزه کاری‌ها، مقدمات، مؤخرات و... اشراف کامل داشته باشد، تا آن کار و عمل به نحو احسن انجام شود. در بحث توسل به پیشوایان معصوم هم همین قاعده صادق است. کسی می‌تواند توسل مورد قبول و با شرایطی را به وجود آورد که به همه شرایط و آداب این امر آگاهی کافی داشته باشد. برای مثال، کسی که می‌خواهد نماز بخواند، یکی از چیزهایی که لازم است بداند، اجزا و شرایط و آداب و احکام نماز است؛ وگرنه اصلاً نماز صحیحی محقق نمی‌شود.

خصوصیات عاطفی و احساسی

ویژگی‌های مربوط به جنبه عاطفی و احساسی الگو، یکی از جنبه‌هایی است که توجه به آن در بررسی خصوصیات الگو لازم است. عواطف انسانی، از ابعاد وجودی بشر است و در روند الگوبرداری نقش ویژه‌ای دارد، به نحوی که می‌تواند زمینه صمیمیت، نزدیکی و پذیرش الگوبردار را فراهم کند (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۴۴).

نفوذ معنوی و جایگاه قلبی: نفوذ معنوی و جایگاه قلبی

را بگذارد و تنها محبت درونی فایده خاصی ندارد. از این‌روست که امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر کسی را دوست می‌داری، به او اعلام کن که دوست دارم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۴). پس یکی دیگر از ویژگی‌هایی که باید فرد الگو دارا باشد این است که محبت و علاقه و دلسوزی خود را به متری اعلام نماید. این امر باعث می‌شود که متری نیز به شخص الگو علاقه‌مند شود و بخواهد اعمال او را انجام دهد.

التزام عملی به توسل: اصل و اساس روش الگویی به این است که متری شخص الگو را در مقام عمل (ظاهراً و باطناً)، به آن رفتاری که قرار است در وجود متری نهادینه شود، مشاهده نماید. همچنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند: «لِيَرَوْا مِنْكُمْ التَّوَضُّعَ وَ...» پس لازمه اینکه متری این عمل را مشاهده نماید، این است که شخص الگو در همه امور به این ارزش الهی ملتزم، و در مقام عمل متوسل به پیشوایان معصوم علیهم السلام باشد و جواب لازم را نیز بگیرد؛ به نحوی که برای شخص متری این امر قابل درک و فهم باشد.

انواع الگوها

در امر توسل به پیشوایان معصوم علیهم السلام انواع مختلفی از الگوها وجود دارند؛ ولی به خاطر اینکه انسان‌ها از آن جهت که در خلقت شبیه یکدیگر هستند، بحث الگو و اسوه در انسان‌ها بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرد؛ چون انسان وقتی می‌تواند شخصی را به‌عنوان الگوی خود قرار دهد که شباهت‌هایی بین خودش و شخص الگو احساس کند. شاید به خاطر همین است که خداوند پیامبران الهی را از جنس بشر قرار می‌دهد و آنها را اسوه و الگوی انسان‌ها معرفی نموده است.

در میان انسان‌ها، گروه‌هایی هستند که می‌توان به‌عنوان الگو و اسوه قرار داده شوند. این گروه‌ها عبارتند از:

می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بِاِخْتِ تَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعراء: ۳)؛ گویی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی به خاطر اینکه آنها ایمان نمی‌آورند. از مجموع این آیات و روایات دیگری که در این زمینه می‌باشد چنین به دست می‌آید که اگر کسی بخواهد در زمینه‌های الگو باشد، باید به شدت به شخص متری علاقه‌مند و سعادت و هدایت او برایش مهم باشد.

خصوصیات رفتاری

خصوصیات رفتاری الگو، ویژگی‌های اعمال و فعالیت‌های نمایان اوست. تفاوت آن با ویژگی‌های شناختی و عاطفی این است که در این دسته از ویژگی‌ها جنبه عملی و بارز رفتار مورد توجه می‌باشد.

خوش‌اخلاقی: یکی دیگر از خصوصیات انسان الگو این است که در برخورد با دیگران خوش‌اخلاق باشد. این یکی از ویژگی‌هایی است که خداوند پیامبر گرامی خود را به آن توصیف نموده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)؛ و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری. این

خصوصیت رفتاری اگر در شخص الگو نباشد، عملاً فرایند الگوگیری صورت نمی‌گیرد. همان‌گونه که پیش‌تر هم ذکر شده است، متری شخصی را به‌عنوان الگو برمی‌گزیند که مورد علاقه او و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد. حال اگر فرد الگو دارای اخلاق ناپسند و نامطلوبی باشد و با او به تندی و عصبانیت رفتار نماید، از همان ابتدا از او سرخورده می‌شود و او را اصلاً به‌عنوان الگو قبول نمی‌کند تا بتواند اثری در وجود او ایجاد نماید. ابراز محبت و علاقه به متری: همچنان‌که در خصوصیات عاطفی ذکر شد، یکی از ویژگی‌های انسان الگو علاقه‌مندی او به متری است. ولی در روایات ما سفارش شده است که این محبت درونی باید ابراز شود تا آن اثرات

معصومان و جانشینان آنان در اخلاق و عملند و پس از اولیاء اللہ، بهترین الگوهای بشریتند. از این جهت که این بزرگواران از مواهب خاص الهی مانند عصمت و وحی و... برخوردار نبودند، شاید برای بحث الگوگیری در مراحل اول مناسب‌تر نیز باشند.

گروه سوم. شهیدان

گلگون‌کفنان راه خدا، دیگر قهرمانان واقعی بشریت‌اند و به تعبیر رسول خدا ﷺ به نهایت خیر و کمال نایل آمده‌اند: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بِرٌّ حَتَّى يَفْتُلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۴۸)؛ برتر از هر نیکی، نیکی دیگری است تا مرد در راه خدا کشته شود؛ وقتی در راه خدا کشته شد، دیگر بالاتر از آن، نیکی نیست.

طرح الگوهای صادق و موفقی همچون شهدا، در سازندگی روحی مردم بخصوص جوانان بسیار مؤثر و نشاط‌آور است. بحمدالله در انقلاب اسلامی ایران و بخصوص در دفاع مقدس توسل به پیشوایان معصوم ﷺ در سیره و رفتار شهدای ما موج می‌زند و اگر کسی کمترین آشنایی با مباحث این دوران داشته باشد به این مطلب اذعان دارد که یکی از رموز موفقیت جوانان ما در جبهه حق علیه باطل همین توسلات بوده است. در اینجا فقط به یک نمونه کوچک از آن اشاره می‌شود.

از طرف فرماندهی سپاه، تیپ ۱۸ جوادالانمه ﷺ مأمور به یک عملیات ایذایی برای از بین بردن تانک‌های T72 دشمن می‌شود. سه گردان مأمور این کار شدند. فرمانده یکی از آنها عبدالحسین بروتسی بود. دو گردان دیگر در این عملیات راه به جایی نبردند؛ همه چشم و امیدشان به گردان شهید بروتسی بود. ولی این گردان نیز به خاطر آتش زیاد دشمن زمین‌گیر شد و ادامه عملیات

گروه اول. پیامبران و اولیای معصوم

پیامبران و اولیای معصوم ﷺ بهترین الگوهای انسانی در همه زمینه‌ها می‌باشند و باید همه مردم از آن نخبگان الهی سرمشق بگیرند. یکی از زمینه‌هایی که می‌توان از این بزرگواران درس گرفت و آنها را به‌عنوان الگو قرار داد، توسل به پیشوایان معصوم ﷺ است؛ به این صورت که هر وقت گرفتاری و سختی در کارهای اولیای الهی پیش می‌آمد، از دیگر حضرات که مقامشان بالاتر از خودشان بود، طلب استمداد و کمک می‌کردند و به این نحو در پیشگاه الهی وساطتی را قرار می‌دادند.

در ذیل، به بعضی از این نمونه‌ها اشاره می‌شود:

در بحارالانوار در تمه «کتاب الامامه»، در ابواب «سائر فضائل اهل بیت و مناقبهم و غرائب شئونهم صلوات الله علیهم»، در باب ۷ آن می‌فرماید: دعای انبیاء ﷺ به واسطه توسل و شفاعت اهل بیت ﷺ مستجاب شد. در این باب ۱۶ روایت ذکر می‌کند که انبیای الهی در سختی‌ها و مشکلات متوسل به اهل بیت ﷺ می‌شدند. برای نمونه، یکی از این روایات عبارت است از:

حسن‌زین فضال از پدر خود، از حضرت امام رضا ﷺ نقل کرد که وقتی نوح مشرف به غرق شد، خدا را به حق ما قسم داد، غرق از او برطرف گردید؛ وقتی ابراهیم را در آتش افکندند، خدا را به حق ما قسم داد، خداوند آتش را بر او سرد و سلامت قرار داد و حضرت موسی وقتی به دریا رهسپار شد، خدا را به حق ما قسم داد، آن را خشک کرد و هنگامی که یهودیان تصمیم کشتن عیسی را گرفتند، خدا را به حق ما قسم داد، از کشته شدن نجات یافت، خدا او را به سوی خود برد (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۲۶، ص ۳۲۵).

گروه دوم. علمای ربانی

عالمان دین‌شناس و دردآشنا، وارثان علم و اندیشه

متوسل شدم به وجود مقدس خانم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام. چشم‌هایم را بستم و چند دقیقه‌ای با حضرت راز و نیاز کردم. حقیقتاً حال خودم را نمی‌فهمیدم، حس می‌کردم که اشک‌هایم تند تند می‌ریزند... در همان اوضاع، یک دفعه صدای خانمی به گوشم رسید؛ صدایی ملکوتی که هزار جان تازه به آدم می‌بخشد. به من فرمودند: فرمانده! این طور وقت‌ها که به ما متوسل می‌شوید، ما هم از شما دستگیری می‌کنیم. ناراحت نباش. چیزهایی را که دیشب به تو گفتم که برو سمت راست و برو کجا، همه‌اش از طرف همان خانم بود» (عاکف، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱-۱۱۶).

مراتب الگوها

الگوها در امر توسل به پیشوایان معصوم علیهم السلام دارای مراتب و درجاتی می‌باشند و این مراتب، بستگی به شخص مرتبی دارد که در کدام مرتبه بخواهد الگو انتخاب کند. مراتب الگوها تقریباً شباهت زیادی به مراتب توسل دارد که پیش‌تر گذشت.

موانع الگوگیری

یک سری مسائل و مطالبی وجود دارد که مانع الگوگیری مرتبی از الگوی ارائه شده می‌شود. این موانع عبارتند از:

پیش‌زمینه نامناسب قبلی از الگو

گاهی اوقات، شخص الگو بسیار مناسب و مطلوب است ولی به خاطر مطالب یا سخنان و بدگویی‌هایی که درباره شخص الگو نزد مرتبی گفته شده، پیش‌زمینه نامناسبی برای الگوگرفتن این شخص ایجاد گردیده است. چون همان‌گونه که در ویژگی‌های شخص الگو گفته شد، یکی از شرایط و ویژگی‌های الگو این است که نفوذ معنوی و قلبی داشته باشد. این یکی از موانعی است که ممکن است

ممکن نبود. در این لحظه شهید برونسی صورتش را روی زمین گذاشت و بعد از حدود ۱۵ دقیقه سرش را بلند کرد و به معاون خود گفت: می‌روی سر ستون، آنجا درست برمی‌گردی سمت راست، بیست و پنج قدم می‌شماری و همان جا یک علامت بگذار، بعد برگرد و بچه‌ها را پشت سر خودت ببر آنجا. وقتی همه به آن علامت رسیدند، رو به عمق دشمن، چهل متر جلو می‌روی؛ آنجا خودم به بچه‌ها می‌گویم چه کار کنند. و هر چقدر معاونش با او مخالفت می‌کند هیچ فایده نداشت.

خلاصه این عملیات به طور معجزه‌آسایی نتیجه می‌دهد و دو گردان زرهی دشمن کاملاً منهدم می‌شود. وقتی معاون ایشان فردای عملیات به منطقه درگیری برمی‌گردد، می‌بیند که روبه‌روی همان جایی که زمین‌گیر شده بودند، انبوهی از سیم‌خارده‌های حلقوی و موانع دیگر خودنمایی می‌کند. بعد بیست و پنج قدم به سمت راست می‌رود، در عین تاباوری می‌بیند که یک معبر باریک وجود دارد و بعد به سمت مواضع دشمن چهل متر جلو می‌رود و مشاهده می‌کند که موانع تمام شده است و روبه‌روی نفربر فرماندهی دشمن که دیشب منهدم شده بود رسید. ایشان می‌فهمد حتماً جریان خاصی اتفاق افتاده است. بعد به سمت شهید برونسی می‌رود و قرص و محکم می‌گوید: «حاجی! تا نگویی دیشب چه اتفاقی افتاده از جایم تکان نمی‌خورم.»

شهید برونسی بعد از اصرار ایشان، این‌طور نقل می‌کند: «موقعی که عملیات لو رفت و توی آن شرایط گیر افتادیم، حسابی قطع امید کردم. شما هم که گفتمی برگردیم، ناامیدی‌ام بیشتر شد و واقعاً عقلم به جایی نرسید. مثل همیشه، تنها راه امیددی که باقی مانده بود، توسل به واسطه‌های فیض الهی بود. توی همان حال و هوا، صورتم را گذاشتم روی خاک‌های نرم اون منطقه و

تَطْهِيراً ﴿احزاب: ۳۳﴾؟ پیرمرد شامی دست خود را به آسمان بلند کرد و سه بار گفت: خدا یا! به درگاهت توبه می‌کنم! بار الها از عداوت به آل محمد توبه می‌کنم، و از قاتلین اهل بیت محمد ﷺ اظهار بی‌زاری می‌جویم؛ تا حال قرآن تلاوت می‌کردم، ولی متوجه این مطالب نشده بودم (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۰۶).

اولین کاری که حضرت در مقابله با آن پیرمرد جاهل و متأثر از تبلیغات سوء معاویه نسبت به خاندان عصمت و طهارت، انجام داد، تغییر پیش‌زمینه فکری این شخص نسبت به اهل بیت ﷺ بود؛ و بعد از آن است که این شخص می‌تواند این اشخاص را به عنوان الگو و اسوه خود قرار دهد.

غیر واقعی تلقی کردن الگو

بعضی اوقات به خاطر بالا بودن مقام الگو یا بدلیل مأنوس نبودن متربی با برخی از امور، اصل این مطلب را که چنین شخصی می‌تواند با توسل به پیشوایان معصوم ﷺ به همه اهداف و مقاصد خود برسد منکر می‌شود؛ و این امر را غیر واقعی تلقی می‌کند. معمولاً این مانع بیشتر در الگوهایی است که می‌خواهیم از طریق داستان و... به آنها معرفی کنیم و متربی خود الگو را به چشم خود مشاهده نکرده و یا اینکه شخص الگو را دیده است، ولی توسلات او و موفقیت او را در امر توسل مشاهده ننموده است.

برای رفع این مانع روش مذکور، باید با الگوهای زنده و قابل مشاهده شروع نمود؛ چون وقتی انسان الگویی را با چشمان خود دید که متوسل به پیشوایان معصوم ﷺ شده و جواب توسل خود را گرفته است، خیلی راحت‌تر می‌تواند چنین امری را بپذیرد. در مرحله دوم، می‌توان با الگوهای بالاتر و مناسب‌تر دیگری او را آشنا نمود و دیگر چنین اشکالی در ذهنش ایجاد نمی‌شود؛ چون مراحل و مراتب پایین‌تر آن را با چشمان خود مشاهده نموده است.

در فرایند اجرای این روش با آن روبه‌رو شد. از این‌رو، برای مقابله با این مانع، باید پیش از اینکه این فرد به عنوان الگو قرار داده شود، ابتدا ذهن و فکر متربی را از این‌گونه مسائل نسبت به آن شخص کاملاً پاک‌سازی نمود.

نمونه چنین رفتاری را می‌توان در سخنان امام سجاده ﷺ در مقابله با توهین‌های پیرمرد شامی مشاهده کرد. مرد شامی به حضرت این‌طور خطاب کرد: سپاس خدای را که شما را کشت و هلاک ساخت و شاخ فتنه را برید، و از ناسزا گفتن چیزی فرو نگذارد. چون سخن او به آخر رسید، حضرت بدو گفت: من سکوت کردم تا سخت به پایان رسید و آنچه در دل از عداوت و کینه داشتی اظهار نمودی؛ پس تو نیز همچون من که برای سکوت نمودم خاموش باش. پیرمرد شامی گفت: بگو.

حضرت فرمود: آیا قرآن خوانده‌ای؟ گفت: آری، فرمود: تا حال به این آیه برخورده‌ای: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری: ۲۳)؟ گفت: آری. فرمود: ماییم قری و نزدیکان رسول که خواستار مودت به ایشان شده، آیا در سوره «بنی اسرائیل» به حقی که مخصوص ماست نه دیگر مسلمین برخورده‌ای؟ گفت: نه. فرمود: آیا تا حال این آیه را تلاوت نموده‌ای: ﴿وَأَتَى ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾ (اسراء: ۲۶)؟ گفت: آری. فرمود: ماییم آن گروهی که خداوند به رسولش امر فرموده که حق ایشان را بپرداز.

پیرمرد شامی گفت: آیا واقعاً شما همان افرادید؟! امام سجاده ﷺ فرمود: آری، ما همان افرادیم؛ آیا این آیه را تلاوت کرده‌ای: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ﴾ (انفال: ۴۱)؟ گفت: آری. حضرت فرمود: ما ذوالقربی می‌باشیم، آیا در سوره «احزاب» حقی که فقط مخصوص ما نه دیگر مسلمین باشد یافته‌ای؟ گفت: نه. فرمود: مگر این آیه را نخوانده‌ای: ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ

آفات و آسیب‌های روش الگویی

تبعیت مطلق از غیر معصوم

به خاطر عدم عصمت شخص الگو، یکی از آسیب‌های موجود برای الگوهای غیر معصوم این است که متربی شیفته اخلاق و رفتار الگو شود، به گونه‌ای که در همه اعمال و کردار و حتی در رفتارهای نادرستش بخواهد شبیه او شود؛ حتی در غیر آن عملی که ما آن را به عنوان الگو معرفی کرده‌ایم. برای مثال، در عصر خودمان عالمی را به نام استاد اخلاق و عرفان معرفی نمودند و جوانان زیادی هم مشتاق شدند و او را الگوی خود در زندگی قرار دادند؛ ولی این جوانان دقت نکردند که شاید همه کردارهای او صحیح نباشد و به خاطر همین، حتی در اموری که ناپسند می‌باشد، به استناد اینکه فلان استاد عرفان این عمل را انجام می‌دهد، او را الگوی خود قرار داده و آن عمل را انجام می‌دهند.

برای پیش‌گیری از این آسیب، لازم است پیش از ارائه الگوهای غیر معصوم به متربی، این نکته را در وجود او نهادینه کنیم که به غیر از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام هیچ‌کس دیگری شایستگی پیروی و الگو برداری در همه اعمال و کردارش در همه زمان‌ها را ندارد. خود الگو نیز باید به متربی خود این نکته را همیشه یادآوری کند که همه کارها و رفتارهای من خالی از اشتباه نیست و میزان را حق و باطل بداند. از این روست که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يَعْرِفُ بِالرَّجَالِ بَلْ بِآيَةِ الْخَقِّ وَاعْرِفِ الْخَقِّ تَعْرِفْ أَهْلَهُ» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۹۶)؛ دین خدا با افراد سنجیده نمی‌گردد، بلکه نشانه‌های حق، را باید، معیار بگیری، و حق را بشناسی، تا اهل آن را تمیز دهی.

محور قرار گرفتن خود شخص الگو

یکی از آفات این روش این است که متربی آن قدر شیفته

اخلاق و منش الگو قرار گیرد و آن قدر مقام الگو در چشمانش بالا رود که بگوید: اگر توسل این شخص جواب داده است، به خاطر مقام و منزلت خود الگوست، وگرنه پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به هر کسی چنین عنایتی را نمی‌کنند. این آسیب در عین اینکه خطرناک است، اصلاً مقصود و هدف از ارائه الگو را نیز برآورده نکرده است؛ چون هدف از اتخاذ روش مذکور این بود که به متربی فهمانده شود امر توسل یک امر شدنی است و او را ترغیب کند تا آن کار را انجام دهد. ولی در این صورت، به اهداف مورد نظر نایل نگردیده است.

این آسیب و اشکال در الگوهای معصوم نیز پیش می‌آید. بسیاری از کسانی که از الگو برداری از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام سر باز می‌زنند، دلیلشان این است که این بزرگواران کجا و ما انسان‌های معمولی کجا؟

برای رفع این آسیب، باید به متربی فهمانده شود که خداوند چنان قابلیت را در وجود انسان گذاشته است که می‌تواند با اراده و اختیار خویش به بالاترین مقامات معنوی برسد و این قابلیت، منحصر به یک عده انسان خاص نیست. به خاطر همین است که خداوند در قرآن کریم اشرف مخلوقات خود را الگو و اسوه تمامی انسان‌ها قرار می‌دهد. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱).

خراب شدن الگوی معرفی شده در آینده

یکی دیگر از آسیب‌ها و آفاتی که از صدر اسلام نیز وجود داشته، این است که فردی متدین و معتقد در میان مسلمانان، که حتی دارای مدال‌های افتخار زیادی بوده، با گذشت زمان و تغییرات شرایط و... از مسیر خود برگردد و شاید در بعضی از مواقع بر علیه گذشته خود نیز موضع بگیرد.

در این بحث نیز این آفات برای الگوهای غیر معصوم

در این رابطه، خانواده‌ها با برنامه‌ریزی می‌توانند داستان‌های افرادی را که در تمامی شرایط زندگی توسل به واسطه‌های فیض الهی می‌نمودند به صورت زیبا و اثرگذار برای تمامی افراد خانواده بخوانند تا افراد خانواده کم‌کم متمایل به آن اشخاص شوند و آنها را در این زمینه الگوی خود قرار دهند. کتاب‌های شهدا و عالمان دینی و... در این باره بسیار مفید است.

نهاد تربیت؛ اعم از معلمان و مدیران و کادر آموزشی، در این خصوص می‌توانند با نقل داستان این افراد به مناسبت در میان درس‌ها و مطالب آموزشی، با موضوع «سیره علما و شهدا در باب توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) و...» در نهادینه شدن و الگوبرداری از این افراد نقش بسزایی ایفا نمایند.

دیدار با افرادی که با توسل به خواسته‌هایشان رسیده‌اند: یکی از موارد بسیار مؤثر در فرایند الگوگیری، این است که شخص مرتبی، شخصی را که می‌خواهد به عنوان الگوی خود قرار دهد، از نزدیک اعمال و رفتار او و نتیجه آن را مشاهده نماید.

مشاهده مستقیم یک مطلب، بسیار اثرگذارتر و ماندگارتر از نقل و شنیدن یک امر است؛ به جای اینکه مرتبی را با روش‌های بسیار به گرفتن الگو در امر توسل ترغیب کرد، می‌توان او را با یک انسانی که در همه امور زندگی خود به ائمه اطهار (علیهم‌السلام) متوسل می‌شود آشنا کرد تا اثرات مثبت این امر را در زندگی با چشمان خود ببیند و خود به خود این شخص را به عنوان الگوی خود در این زمینه قبول کند.

در این باره نهاد خانواده و نهاد تربیت باید با شناسایی افراد الگو در مورد توسل به پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) و هماهنگی با آنها، زمینه را برای دیدار و روبه‌رو شدن مرتبی با فرد الگو فراهم کنند. بهتر است وقتی مرتبی این

وجود دارد که شاید این الگویی که به شخص مرتبی معرفی می‌شود، در آینده برخلاف عقاید خود برخورد کند. شاید الان انسانی باشد که در توسل به پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) زیانزد خاص و عام باشد، ولی احتمال دارد که در آینده برخلاف رویه قبلی خود عمل کند. این مطلب، به مرتبی که این شخص را الگوی خود قرار داده، بسیار صدمه وارد می‌کند.

همان‌گونه که در رفع آفت اول گفته شد، به غیر از معصومان (علیهم‌السلام)، باید اعمال و رفتار هر شخصی را در هر زمان با حق سنجید و اگر طبق آن بود، از او پیروی شود. این یک معیار جدی است که مرتبی باید مسلح به آن باشد تا دچار لغزش و آسیب‌های احتمالی نشود.

راکارهای اجرایی روش الگویی

در اینجا ابزارهای موجود برای نهادینه کردن توسل به پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) از طریق روش الگویی مورد بررسی قرار می‌گیرد و نقش نهادهای مختلف در به‌کارگیری از این ابزارها بیان می‌شود.

ابزارها

نقل داستان افرادی که با توسل به خواسته‌هایشان رسیده‌اند: یکی از روش‌های مؤثر و مفید در وجود هر شخصی، نقل داستان انسان‌های الگو و قهرمان در زمینه‌های مختلف می‌باشد. در بحث توسل به پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) نیز یکی از ابزارها برای معرفی الگوی مناسب در این زمینه، نقل داستان و سرگذشت کسانی است که از طریق اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) به خواسته‌های مادی و معنوی خودشان رسیدند. چقدر انسان‌هایی بوده‌اند که سیره مستمر آنها این بوده که تمامی مشکلات خود را از طریق پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام)، رفع نمایند.

تربیت) باشد، به گونه‌ای دیگر باید رفتار کرد. مثلاً، عالم عاملی در امر توسل وجود دارد و آن شخص به‌عنوان الگو در این مورد به‌متربی معرفی شده است. در این مورد، نهاد خانواده و تربیت باید با فراهم کردن زمینه‌های همراهی متربی با آن شخص، این امر را محقق سازند.

هنر (فیلم، عکاسی، نقاشی، شعر، خط خوش و...) یکی ابزارهای مهم برای نهادینه کردن توسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام از طریق روش الگویی، هنر می‌باشد. اثرگذاری هنر بر روی جان و فکر انسان بسیار عمیق و ماندگار است. همان‌گونه که مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «هنر، تا آن‌جا نهایی‌ترین لایه‌های ذهن انسان نفوذ می‌کند و ماندگار و سازنده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷، دیدار با مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ص ۶۹). «زبان هنر زبانی است که هیچ چیزی جایگزین آن نیست» (همان، ص ۶۸).

هنر چیست؟ زبان هنر این ویژگی را داراست که حقایق را به‌طور غیرمستقیم بیان می‌نماید. مثلاً، اگر بخواهد اهمیت اتفاق در راه خدا را بیان نماید، نمی‌گوید اگر این کار را انجام دادید، چند برابر پاداش نصیبتان می‌شود؛ بلکه به این نحو این نکته را بیان می‌کند: «مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱).

هدف از به‌کار بردن هنر در بیان مطالب و حقایق، عمق بخشیدن و محکم‌تر کردن مفهوم و مقصود موردنظر در ذهن مخاطب می‌باشد.

حال از این ابزار پر قدرت می‌توان برای معرفی هرچه بهتر الگوی موردنظر برای متربی استفاده نمود. حتی این روش از نشان دادن مستقیم الگو اثر بیشتری دارد؛ چون در هنر می‌توان به‌زوایی که شاید در نگاه عادی از آن غفلت

شخص را ملاقات می‌کند در حالت توسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام باشد تا آن اثر مطلوب را به‌جا بگذارد.

زیارت قبور پیشوایان معصوم به همراه شخص الگو و دیدن توسل او؛ زیارت قبور معصومان علیهم‌السلام، یکی از مصادیق مهم توسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است. همان‌گونه که از تعریف روش الگویی مشخص است، فرایند یادگیری اعمال و رفتار نباید به‌طور کلامی و صحبت باشد، بلکه باید به‌صورت رفتار در جلوی چشمان متربی صورت گیرد تا آن اثر مثبت خودش را بگذارد؛ به‌خاطر همین، اگر الگویی به‌متربی معرفی شود ولی رفتارها و کردارهایی که دال بر توسل آن شخص به اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌باشد، مشاهده ننماید، دیگر آنچه از آن انتظار می‌رفت به‌وقوع نمی‌پیوندد. به‌همین دلیل، همراهی با شخص الگو و زیارت قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام و دیدن توسل آن شخص در هنگام زیارت باعث نهادینه شدن امر توسل به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام خواهد شد. علاوه بر آن، آداب و شرایط توسل و بسیاری دیگر از نکات مهم در این مورد را با دیدن رفتارهای شخص الگو یاد گرفته است.

برای اجرایی شدن این مطلب باید گفت که اگر شخص الگو، خود پدر و مادر باشند کار بسیار راحت خواهد بود؛ فقط باید والدین در برنامه‌های زندگی خود زیارت قبور اهل‌بیت علیهم‌السلام را جزء برنامه‌های ثابت زندگی خود قرار دهند و هنگام زیارت و توسل به حضرات معصومین علیهم‌السلام با همه آداب و شرایط آن را اجرا نمایند تا اثر مطلوب را بگذارد.

اگر الگو یکی از معلمان و مربیان نهاد تربیت (اعم از مدرسه، مسجد، هیئت و...) باشد، لازم است اردوهای زیارتی همراه با مربی خود داشته باشد تا این اثر را در زندگی خود نهادینه کند. ولی اگر الگو خارج از این دو فضا (نهاد خانواده و

منابع

- ابراهیمی، جواد، ۱۳۹۰، بررسی روش الگویی: رویکرد دینی و روان‌شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- احسانی، ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، *عوالی اللسانی العزیزیه*، قم، سیدالشهدا.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰ق، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۷۷، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- دیلمی، حسن، ۱۴۱۲ق، *ارشادالقلوب الی الصواب*، قم، شریف رضی.
- صفایی حائری، علی، ۱۳۸۶، *تربیت فرزند*، قم، ایله‌القدر.
- ضیاء‌آبادی، سیدمحمد، ۱۳۷۲، *توسل*، تهران، بنیاد بعثت.
- طبرسی، احمدبن علی، ۱۴۰۳ق، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، المرکز.
- عاکف، سعید، ۱۳۸۷، *خاک‌های نرم کوشک*، مشهد، ملک اعظم.
- کلبینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۸، *بحارالانوار*، تهران، اسلامیة.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۰، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- موسقیان، نعمت‌الله، ۱۳۸۶، *تربیت دینی فرزندان*، قم، زمزم هدایت.

می‌شود، تأکید ویژه نمود تا احتمال اثرگذاری به مراتب بالاتر رود.

مقام معظم رهبری درباره این اثر هنر می‌فرماید: «شما بیرون بروید و شروع کنید به نقل کردن: بله، فلان‌جا بودیم، کسی این‌طور شعری خواند، کسی این‌گونه گفت، کسی این‌طور نشسته بود؛ اصلاً ممکن نیست آن‌طوری که هست، انعکاس پیدا کند؛ آن شخص، فقط خبری می‌شوند. اما با زبان هنر می‌توان همین جلسه را منعکس کرد؛ به‌طوری‌که اگر مثلاً عکاس هنرمندی از زوایای خوبی از این جلسه عکس بردارد یا فیلم تهیه کند، بعد کسی که آن عکس یا فیلم را نگاه می‌کند، اگر صاحب‌نظر و صاحب‌ذوق و ریزین باشد، چیزهایی را خواهد دید که ماها الآن شاید متوجه آنها نباشیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰، در دیدار با اعضای کنگره شعر حوزه، ص ۲۱۱).

نتیجه‌گیری

مستفاد از مجموع آیات و روایات موجود در خصوص بحث توسل عبارت است از اینکه توسل به پیشوایان معصوم علیهم السلام از اموری است که خداوند و اولیای الهی بسیار به آن سفارش کرده‌اند و کسی توان راه‌یابی به مقام قرب الهی به غیر از این مسیر را ندارد.

روش الگویی به دلیل عینی و کاربردی بودن، از نفوذ و تأثیرگذاری فراوانی برخوردار است. در این روش، ترتیبی اتخاذ می‌گردد تا مرتبی بتواند شخصی را که در نظرش مهم و محبوب است، در حال انجام توسل به پیشوایان معصوم علیهم السلام ببیند یا نتیجه توسل او را مشاهده کند. در این نوشتار، به این نتیجه رسیدیم که مرتبی می‌تواند از راه‌کارهای مختلفی الگوهای مناسبی را در مورد توسل به مرتبیان خود نشان دهد تا بتواند در درونی‌سازی این ارزش نقش بسزایی داشته باشد.